

کاربرد رویکرد آینده‌پژوهی در تحلیل سیستمی پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان ایلام

معصومه جمشیدی^{۱*}، حسین مهدی‌زاده^۲

چکیده

استراتژی مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام و اداره بهزیستی که در قالب تأمین مالی خرد و اعطای اعتبارات اندک است، تأثیرات و پیامدهای مثبت و منفی دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل ساختاری، به مطالعه و تجزیه و تحلیل آرای کارشناسان مورد مطالعه پرداخته است. هدف اصلی این مقاله شناسایی پیامدهای مثبت و منفی استراتژی توانمندسازی ذکر شده در مقیاس منطقه‌ای (استانی) و تحلیل اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها برهم است. به منظور گردآوری اطلاعات، ابتدا از روش مصاحبه عمیق با ۲۸ نفر از کارشناسان آگاه و خبره در حوزه توانمندسازی زنان در نهادهای مختلف استان استفاده و اطلاعات کیفی جمع‌آوری شد و پس از تحلیل کیفی داده‌ها به روش مفهوم‌سازی و توسعه طبقات و استخراج شاخص‌ها (تأثیرات مثبت و منفی)، پرسش‌نامه محقق‌ساخته ماتریس تحلیل متقاطع طراحی شد. از روش مثلث‌سازی و بهره‌گیری از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم و مصاحبه عمیق به منظور اطمینان از اعتبار داده‌های کیفی استفاده شد. پس از طی فاز اول و دوم، پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار خبرگان مورد نظر قرار گرفت و آن‌ها میزان ارتباط متغیرهای مورد نظر را در ماتریس متقاطع و در ارتباط متقابل باهم بررسی کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار میک‌مک (Mimmac) استفاده شده است. نتایج نشان داد که در آینده مهم‌ترین شاخص‌های مثبت اثرگذار یا تعیین‌کننده در تحلیل سیستمی پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش دو نهاد حمایتی گفته‌شده، شامل متغیرهای «یجاد اشتغال پایدار»، «دسترسی به منابع»، «افزایش تولید» و «کارآفرینی» و در بعد منفی شامل متغیرهای «هدرروی منابع مالی به دلیل سوء مصرف وام‌ها و نارسایی اعتبارات خرد»، «توجه عمده (و صرفاً) نهادها به پرداخت وام» و «افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب» است که در قسمت شمال شرقی ماتریس اثر قرار دارند. براساس نتایج به‌دست‌آمده، برنامه مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در آینده باید به نحوی مدیریت و ساماندهی شود که حداقل اثرگذاری منفی و حداکثر آثار مثبت را به همراه داشته باشد. به عبارتی دیگر، سیستم توانمندسازی ذکر شده در آینده باید به دنبال تقویت و بیشینه‌کردن آثار و پیامدهای مثبت ذکر شده و کمینه‌نمودن اثر منفی گفته‌شده باشد.

کلیدواژه‌ها

آینده‌پژوهی، استان ایلام، تحلیل سیستمی، توانمندسازی، زنان سرپرست خانوار.

۱. استادیار مدعو گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)
masomeh_jamshidi@yahoo.com
 ۲. استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی
hossein.mahdzadeh@ac.ir
- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «نظام معنایی (شرایط، تعاملات و پیامدهای) بازدارنده‌ها و پیش‌برنده‌های توانمندسازی زنان: موردی زنان ایلام» با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه ایلام است. مجری طرح خانم دکتر معصومه جمشیدی و کارفرما استانداری ایلام است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۵

مقدمه

زنان به دلایل تاریخی، از قبیل حاکمیت و تداوم نگرش‌های سنتی، باورهای تبعیضی در زمینه واگذاری نقش به آن‌ها و همچنین اجرای سیاست‌های سوگیرانه (مردمحور)، به مالکیت منابع محدودتر، سطح پایین‌تر آموزش و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دسترسی دارند و در نتیجه بیشتر از مردان در معرض فقر قرار دارند و به این ترتیب از امکانات و قابلیت‌های لازم برای مبارزه با فقر محروم‌اند [۱۱؛ ۱۲؛ ۱۵]. مطالعات و بررسی‌ها نشان داده به‌رغم تحولاتی که جوامع در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و فنی تجربه کرده‌اند، نابرابری جنسیتی و محرومیت زنان همچنان به‌عنوان معضلی بزرگ به حیات خود ادامه داده است [۱؛ ۳۴؛ ۳۹].

در کشور ایران، به منظور مبارزه با فقر و کاهش محرومیت، سازمان‌ها و نهادهای رفاهی متعددی در قالب راهبردهای حمایتی ایجاد شده‌اند. نهادهای کمیته امداد امام (ره) و اداره بهزیستی از جمله این نهادها هستند. هریک از نهادهای ذکرشده در جهت مبارزه با فقر و محرومیت و توانمندسازی افراد تحت پوشش و زنان سرپرست خانوار، طرح‌ها و برنامه‌های ویژه‌ای ارائه کرده‌اند. طرح خودکفایی کمیته امداد و طرح‌های تشکیل گروه‌های خودیار (طرح تاک)، طرح تشکیل گروه‌های همیار ویژه زنان سرپرست خانوار و طرح‌های اشتغال‌زایی انفرادی از این دسته‌اند. فلسفه هریک از طرح‌ها و برنامه‌های توانمندسازی گفته‌شده، اعطای منابع مالی و اعتبارات به زنان سرپرست خانوار به منظور رفع فقر و خوداشتغالی است. بنابراین، برنامه‌های ذکرشده حول محور «پرداخت اعتبارات خرد» به صورت فردی یا گروهی و در قالب اعطای مسئولیت اجتماعی بین اعضای گروه سیر می‌نماید. سیاست ذکرشده سال‌هاست که به‌عنوان استراتژی غالب و مصداق بازر توانمندسازی در سراسر ایران در حال انجام است. در کنار این سیاست، برنامه‌هایی مانند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یا آموزش‌های کارآفرینی نیز مشاهده شده است.

اعتبارات خرد یک نوآوری مالی است و از دیدگاه توسعه مشارکتی انتظار می‌رود که شرایط دسترسی افراد بی‌بضاعت به خدمات مالی را بهبود بخشد. به عبارتی، ارتقای مشارکت افراد بی‌بضاعت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و بالابردن توان آن‌ها از اهداف اصلی اعتبارات خرد است [۹؛ ۳۳؛ ۳۸]. اعتبارات خرد، زنان را به لحاظ اقتصادی از طریق قرار دادن منابع مالی و سرمایه در اختیار آن‌ها توانمند می‌کند. استقلال مالی زنان به افزایش توان چانه‌زنی آن‌ها در خانواده‌هایشان و اجتماع منجر می‌شود و افزایش منزلت و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را در پی دارد [۱۶]. برخی پا را فراتر گذاشته و پیامدهای مثبت عمیق‌تری را برای برنامه‌های تأمین اعتبارات خرد در نظر گرفته‌اند؛ مانند کولکarni^۱ که معتقد است به اعتبارات خرد فقط به

منظور کاهش فقر و پایداری مالی نباید توجه کرد، بلکه این برنامه دارای ساختار حلزونی شکل قدرتمندی است که از طریق نشانه گرفتن اهداف برنامه‌های برابری جنسیتی سبب توانمندسازی اقتصادی، سیاسی و افزایش رفاه زنان می‌شود [۳۵]. همچنین یعقوبی [۱۰] و زرگرانی [۲۶] اظهار کردند که اعتبارات خرد بیشترین تأثیر را در زمینه ایجاد احساس قوی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتمادبه‌نفس، آگاه‌سازی زنان از توانایی‌هایشان (در زمینه شغلی) و بهبود منزلت زنان در خانواده دارد. مداحی گیوی [۲۰] در زمینه اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد در بهبود زندگی زنان روستایی نشان داد که بیشترین اثربخشی در وضعیت اقتصادی زنان ذکر شده مربوط به افزایش پس‌انداز از سوی آن‌هاست.

برخی پژوهش‌گران نیز با اشاره به بهبود توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد نسبت به زنان غیرعضو [۷؛ ۱۴؛ ۱۷]، تأثیر برنامه‌های اعتبارات خرد بر توانمندی اقتصادی زنان را در داشتن درآمد مستقل، پس‌انداز و کنترل بیشتر بر درآمد [۱۷]، تولید درآمد مازاد و بهبود دارایی‌های زنان [۳۲] و ایجاد فرصت‌های شغلی و به‌ویژه فعالیت‌های خوداشتغالی [۸]، گسترش شغل جاری، رضایت خاطر و ایجاد انگیزه برای به حرکت درآوردن جریان اشتغال و درنهایت افزایش تولید [۲۵] ذکر کرد. برنامه‌های اعتبارات خرد نه تنها سبب اشتغال پایدار شده، بلکه موجب افزایش دسترسی زنان کم‌درآمد و سرپرست خانوار به خدمات مالی نیز شده است و لذا این وام‌ها سبب کاهش فقر، افزایش درآمد و افزایش میزان دارایی زنان [۲۳] و تحول در نقش مدیریتی آن‌ها [۲۳] شده است و درنهایت در قالب توسعه [۲] و پایداری اقتصادی نمود یافته است [۸]. بنابراین، می‌توان گفت اعتبارات مالی خرد به افزایش میزان توانمندسازی زنان [۳۲؛ ۴۳] در ابعاد مختلف منجر شده است.

علاوه بر اثرگذاری مثبت اعتبارات خرد بر وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار، این قشر با چالش‌ها و پیامدهای منفی متعددی در راستای دریافت و استفاده از اعتبارات خرد به منظور توانمندی خود مواجه شده‌اند. مطالعه هیل و همکاران [۴۳] نشان داد که تأمین مالی خرد ممکن است نابرابری‌ها را افزایش دهد. در این زمینه، مطالعه مکمل ساس^۱ [۳۷] به این نکته اشاره دارد که فقیرترین افراد جامعه [زنان سرپرست خانوار] به‌ندرت منافی از اعتبارات خرد را برده‌اند؛ درحالی‌که نفع گروه‌های فقیر با درآمد بالاتر و متوسط از این اعتبارات بسیار بالاتر است. در تأیید و برجسته‌سازی تضاد منافع گروه‌های مختلف در جریان دریافت اعتبارات خرد، جمشیدی [۴] اظهار کرد که با وجود زدودن برخی قواعد دست‌وپاگیر رسمی در دریافت اعتبارات خرد، برخی تبصره‌ها در زمینه صلاحیت فنی (وجود نیروی کار توانا در خانواده، سن تعیین‌شده و غیره) متقاضیان اعتبارات خرد نیز سبب ظهور تفاوت بین گروه‌های مختلف زنان

سرپرست خانوار در دریافت وام‌ها شده است؛ به گونه‌ای که زنان دارا تر از نظر صلاحیت‌های فنی گفته شده در اولویت دریافت وام و اعتبارات مشخص شده قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، با توجه به اندک بودن مقادیر اعتبارات خرد [۱۹] و چرخه بازپرداخت سریع [۲۹]، که خود از چالش‌های مهم تأمین مالی خرد هستند، محققانی مانند اسپرینر^۱ [۴۱] به تأمین مالی خرد به‌منزله ابزاری برای کمک به فقرا اعتقاد نداشته و اشاره کرده‌اند که این ابزار به جای تأکید بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بر اعطای وام استوار است. به عبارتی، به جای هدف‌گذاری استقلال مالی بیشتر برای وام‌گیرندگان فقیر، وابستگی آنان به اعتبارات را بیشتر کرده که این امر به‌ویژه برای افراد فاقد سرمایه خطرناک است [۳۶] و در شرایط بحران، شکل جدیدی از فقر، با عنوان «بحران بدهی یا بدهکاری» را خلق کرده است [۴]. این امر بیانگر آن است که تأمین مالی خرد و ارائه وام‌ها و اعتبارات کوچک مقیاس همواره سبب کاهش فقر و رفع محرومیت نشده [۶] و علاوه بر وابستگی فقرا، گاهی سبب ایجاد چالش‌ها و مسائل متعددی مانند بحران بدهی‌ها، هدرروی منابع مالی دولت، وابستگی فزاینده متقاضیان و... شده است [۴]. علاوه بر موارد ذکر شده، دووتا و بانرجی [۲۹] معتقدند که کارآفرینی تحول‌آمیز که نشان‌دهنده پایداری سرمایه‌گذاری‌های ریشه‌گرفته از دریافت اعتبارات خرد باشد، بین دریافت‌کنندگان اعتبارات ذکر شده مشاهده نشده و زنان دریافت‌کننده وام‌ها، با توجه به موانع پیش رو، سرمایه‌گذاری‌های کم‌خطر و بدون نوآوری و ریسک‌پذیری را انتخاب کرده‌اند.

با توجه به مطالب ذکر شده، در برنامه‌ریزی خودکفایی و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار نهادهای کمیته امداد و اداره بهزیستی (استراتژی توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد) تلاش در جهت ایجاد توازن و تعادل بین پیامدهای تأمین مالی خرد است؛ به گونه‌ای که باعث افزایش پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی شود. در این زمینه، نگاه سیستمی به نهادهای حمایتی در زمینه موضوع توانمندسازی زنان مذکور از طریق تأمین مالی خرد و تحلیل کارشناسی روندهای آینده می‌تواند مبنایی مناسب به منظور کاهش یا حذف تأثیرات منفی و ارتقاء آثار مثبت آن باشد. این موضوع در استان ایلام، به دلیل حجم بالای زنان سرپرست خانوار و نقش‌های چندگانه آنان و لزوم حفظ ارزش‌های مادران سرپرست، اهمیت خاصی دارد. طرح‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق اعطای اعتبارات خرد در استان ایلام در جهت برنامه‌های ملی و منطقه‌ای اجرا شده و تأثیرات مثبت و منفی فراوانی را برای زنان متقاضی این برنامه ایجاد کرده است [۴]. با در نظر گرفتن استراتژی مرسوم توانمندسازی به‌عنوان یک سیستم، اجزاء بسیار زیاد و متنوعی بر پیامدهای نهایی توانمندسازی زنان اثرگذار است. براساس مطالعه [۵] در زمینه طراحی الگوی توانمندسازی زنان در استان ایلام، طرح‌های توانمندسازی سنتی زنان سرپرست خانوار، که بر مبنای تأمین مالی خرد و اعطای اعتبارات خرد

به زنان سرپرست خانوار بوده است، با پیامدهای منفی فراوانی در قالب سوء مصرف وام‌ها، هدرروی منابع مالی فراوان، اشکال جدید وابستگی، استیصال‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی، ظهور طرح‌های ناتمام و... مواجه شده است. باین‌حال، پیامدهای مثبت زیادی در برخی طرح‌های خوداشتغالی ویژه زنان سرپرست خانوار متکی بر تأمین مالی خرد در استان ایلام مشاهده شده است [۴]. استقلال اقتصادی زنان ذکرشده، افزایش درآمد خانوار، اشتغال پایدار و مواردی از این قبیل، از تأثیرات مثبت تأمین مالی خرد و توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام است. براساس، موارد گفته‌شده، با توجه به جمعیت زیاد زنان سرپرست خانوار متقاضی طرح‌های خوداشتغالی و براساس شیوع رفتارهای تعددی برخی زنان مذکور در ارتباط با دریافت صرف وام و اعتبارات خرد از نهادها و پیامدهای مثبت و منفی طرح‌های توانمندسازی اقتصادی نهادهای حمایتی در استان ایلام، بررسی متغیرها و پیامدهای اثرگذار مثبت و منفی بر آینده سیستم توانمندسازی اقتصادی زنان الزامی به نظر می‌رسد.

با توجه به مطالب ذکرشده، از یک‌سو حاکمیت اقتصاد مقاومتی به‌منزله مفهومی از کارآفرینی و لزوم بهره‌گیری از کلیه منابع به منظور بهبود تولید ملی و کاهش بار اقتصادی جامعه، توجه به اشتغال زنان سرپرست خانوار را برجسته می‌کند و از سوی دیگر، خوداشتغالی آنان از طریق دریافت اعتبارات خرد سبب کاهش وابستگی معیشتی‌شان به نهادهای حمایتی و در نتیجه رسوبی‌شدن (وابستگی اقتصادی و توقع حتمی حمایت) آن‌ها در طی زمان می‌شود و کاهش انبساط نهاد یادشده را رقم خواهد زد [۴].

بر این اساس، مسائل مطرح در این حوزه به شرح ذیل قابل طرح است:

- مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر جهت تحلیل سیستمی پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش دو نهاد حمایتی گفته‌شده کدام‌اند؟
- تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هریک از شاخص‌های بررسی‌شده در مقیاس استانی چگونه است؟

مبانی نظری

از آنجا که هدف پژوهش حاضر تحلیل ساختاری تفسیری سیستم پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام و بهزیستی استان ایلام با رویکرد آینده‌پژوهی است، مبنای این پژوهش نظریه سیستمی است. نظریه سیستم‌ها نظریه‌ای بنیادی و چارچوبی فلسفی در برنامه‌ریزی بر مبنای سناریو است [۲۸]. از دیدگاه نظریه سیستمی، هر پدیده کوچک و بزرگ، زنده یا غیرزنده در جهان، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از عناصر و روابط معین است که سیستم نامیده می‌شود و عملکرد مشخص و هدفمند دارد [۲۴]. به عبارت دیگر، سیستم کل پیچیده‌ای است که کارکرد آن به اجزاء و تعامل بین آن‌ها بستگی دارد [۳]. استراتژی مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان، که همان «تأمین مالی خرد و اعطای

اعتبارات اندک» از سوی نهادهای حمایتی کمیته امداد امام و اداره بهزیستی است، به‌منزله سیستم مورد نظر پژوهش حاضر است. برنامه تأمین مالی خرد در نیمه دهه ۱۹۷۰ به وجود آمد. بنابراین، می‌توان آن را پدیده‌ای نوظهور دانست. ظهور و گسترش سریع تأمین مالی خرد نتیجه ضعف استراتژی‌های قبلی توسعه و به طور خاص، استراتژی‌های مربوط به توسعه مالی بوده است. با تدارک خدمات مالی برای مردم فقیر بر پایه خویش مالی، تأمین مالی خرد توانست بر مشکلات عمده همه رویکردهای بعد از جنگ جهانی دوم در مورد توسعه مالی غلبه نماید [۲۱].

نهادهای حمایتی ذکرشده به دنبال توجه به استراتژی تأمین مالی خرد، از نظر سازمانی به‌عنوان سیستم‌های پویایی هستند که نمی‌توان آن‌ها را مانند جزیره‌های جدا از هم و نیز جدا از سازمان‌های دیگر در نظر گرفت [۱۹]. بنابراین، همه عناصر آن‌ها در راستای تحقق هدف در تعامل و روابط دوسویه قرار دارند. علاوه بر این، به دلیل تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر سیستم بر سیستم‌های دیگر، می‌توان برای سیستم تأمین مالی خرد نهادهای ذکرشده روابطی بین سیستمی متصور شد که تأثیرات آن به صورت مثبت یا منفی در بعد اقتصادی قابل بررسی است. جمشیدی [۴] رابطه ذکرشده را در قالب الگوی قدیمی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، که مشتمل بر ارتباط متقابل بین نهاد حمایتی (طرف عرضه اعتبارات خرد)، سازمان‌های مرتبط (بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری رسمی و غیررسمی، سازمان فنی و حرفه‌ای و...) و زنان سرپرست خانوار (طرف تقاضای اعتبارات خرد) است نشان داده است. تأثیرات سیستم یادشده به صورت مثبت و منفی در بعد اقتصادی به گونه‌ای که در بالا ذکر شد نمایان است.

هر سیستم از تعدادی سیستم‌های فرعی یا زیرسیستم تشکیل شده است و از طرف دیگر، به‌عنوان جزئی از یک سیستم بزرگ یا فراتر از خود عمل می‌کند. زیرسیستم‌های اصلی به‌عنوان ساختار و سیستم‌های فراتر به‌عنوان محیط سیستم شناخته می‌شوند که در کنش و واکنش متقابل قرار دارند [۲۴]. سیستم تأمین مالی خرد نهادهای حمایتی ذکرشده تحت‌تأثیر نظام اقتصاد جهانی و بحران‌های بین‌المللی [۴] به‌عنوان فرامحیط سیستم و شرایط اقتصاد داخلی در دوران پسابرجام (گسترش تحریم‌ها، رکود و تورم، فقدان بازار حامی فقرا، حاکمیت اقتصاد مقاومتی و...) به‌منزله محیط سیستم قرار گرفته است. در شرایط التهاب محیط و فرامحیط سیستم تأمین مالی خرد نهادهای حمایتی، برنامه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق اعطای اعتبارات خرد به صورت فردی و گروهی در حال اجراست. علاوه بر این، سیستم‌های فرعی مرتبط با سیستم ذکرشده شامل طرفین عرضه و تقاضای توانمندسازی، سازمان‌ها و نهادهایی است که از طریق هم‌افزایی با نهادهای حمایتی، به منظور توانمندنمودن زنان همکاری دارند. در الگوی جدید توانمندسازی زنان سرپرست خانوار پیشنهادی جمشیدی [۴] در استان ایلام، به عوامل مفقوده‌ای مانند هم‌افزایی‌های هدفمند (به دور از عملکردهای جزیره‌ای)، عامل

بازار، عامل پشتیبان، ترسیم اکوسیستم کسب‌وکار منطقه‌ای و شناسایی مزیت‌های منطقه‌ای و عوامل مرتبط با تفکرات نوگرایانه و نوآورانه طرف تقاضا (زنان سرپرست خانوار) اشاره شده است. این عوامل به نظر می‌رسد از جمله اجزاء مهم نظام یا سیستم توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد نهادهای حمایتی است. با این تفاسیر، برنامه‌های توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد نهادهای حمایتی کمیته امداد امام و اداره بهزیستی به‌عنوان سیستمی پویا، به دلیل روابط متقابل بین اجزاء، محیط و فرامحیط خود، تأثیراتی را بر طرفین عرضه و تقاضا و حتی محیط خود به صورت مثبت یا منفی دارند. بر این مبنای، می‌توان گفت سیستم توانمندسازی اقتصادی از طریق اعطای اعتبارات خرد در آینده تأثیرات مثبت و منفی متعددی بر زنان سرپرست خانوار متقاضی طرح‌های توانمندسازی دارد. بر این اساس، مطالعات آینده‌پژوهی سیستم یادشده از جمله ابزار مهمی است که به شناسایی متغیرهای پیشران و کلیدی اثرگذار و تعیین‌کننده در آینده سیستم و پایداری یا ناپایداری آن‌ها می‌پردازد.

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد ساختاری تفسیری به منظور سنجش تأثیرات متقابل متغیرها در یک نگاه سیستمی انجام شده است. این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها ترکیبی (کمی و کیفی) است و براساس شیوه گردآوری داده‌ها اسنادی و پیمایشی است.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری یکی از روش‌های طراحی سیستم‌ها به‌ویژه سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی است و رویکردی است که با بهره‌گیری از ریاضیات، رایانه و نیز مشارکت متخصصان، به طراحی سیستم‌های بزرگ و پیچیده می‌پردازد [۴۲]. مدل‌سازی ساختاری تفسیری توسط وارفیلد (۱۹۷۴، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰، ۲۰۰۰) معرفی و توسعه داده شد. این تکنیک افراد و گروه‌ها را قادر می‌سازد روابط پیچیده بین تعداد زیادی عناصر را در موقعیت پیچیده تصمیم‌گیری ترسیم کند [۲۷]. این تکنیک، مدل‌های ذهنی ناپیوسته و غیرشفاف را به مدل‌های قابل مشاهده خوب و تعریف‌شده تبدیل می‌کند [۴۰] و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای نظم‌بخشیدن و جهت‌دادن به پیچیدگی روابط بین متغیرها عمل کند [۱۳]. این روش بر این سؤال بنا شده است: آیا پیش‌بینی آینده می‌تواند مبتنی بر تأثیرات احتمالی متقابل اتفاقات آینده بر یکدیگر باشد [۳۱]. براساس تجزیه و تحلیل ساختاری، متغیرهای مهم سیستم از طریق ماتریس شناسایی متقاطع شناسایی و رابطه و تأثیرات هریک از متغیرها بر یکدیگر قابل تشخیص است. بنابراین، می‌توان گفت این پژوهش شامل ۴ فاز کلی است: ۱. تشکیل سیستم پایه تأثیرات استراتژی مرسوم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار و شناسایی و تعریف اجزای تشکیل‌دهنده آن از طریق مطالعه کیفی؛ ۲. ترسیم پرسش‌نامه ماتریس تحلیل متقاطع براساس

متغیرهای به‌دست‌آمده از مطالعه کیفی؛ ۳. تعیین رابطه و اثر بین متغیرهای تشکیل‌دهنده اجزای سیستم توسط خبرگان کارشناس و شناسایی نوع متغیرها و ۴. تجزیه و تحلیل و انتخاب متغیرهای کلیدی به منظور ارائه بهترین مدل مدیریتی در آینده است.

براساس دیدگاه گادت^۱ و همکاران [۳۰]، در مطالعات سناریو مینا، تخصص و دانش خبرگان بر کمیت کلی ارجحیت دارد و حجم نمونه مورد نظر نباید کمتر از ۲۵ نفر باشد. به منظور انتخاب شرکت‌کنندگان خبره از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و نمونه‌گیری تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. حجم نمونه برابر با ۲۸ نفر از کارشناسان آگاه و خبره در حوزه توانمندسازی زنان است که شامل ۸ نفر از کارشناسان واحد توانمندسازی کمیته امداد امام، ۷ نفر از کارشناسان واحد توانمندسازی اداره بهزیستی استان ایلام، معاون وقت زنان استانداری، معاون امور اجتماعی استانداری ایلام، ۴ نفر از کارشناسان متصدی ارائه وام‌ها و اعتبارات خرد ویژه بانوان سرپرست خانوار بانک کشاورزی، ۴ نفر از خبرگان توانمندسازی از طریق اعطای اعتبارات خرد صندوق کارآفرینی امید و ۴ نفر از کارشناسان بانک قرض‌الحسنه مهر که به صورت مستقیم در جریان برنامه‌ها و طرح‌های توانمندسازی اقتصادی زنان قرار داشته‌اند. این افراد از کسانی هستند که در جریان هم‌افزایی‌های بین‌سازمانی در زمینه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار دخیل بوده‌اند. جدول ۱ توزیع سازمانی نمونه‌های مطالعه‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. توزیع سازمانی نمونه‌های مطالعه‌شده

تعداد نمونه	نهادهای مختلف
۸	کمیته امداد- واحد توانمندسازی
۷	اداره بهزیستی- واحد توانمندسازی
۱	معاونت زنان استانداری
۱	معاونت امور اجتماعی استانداری
۳	صندوق کارآفرینی امید
۴	بانک کشاورزی
۴	بانک قرض‌الحسنه مهر
۲۸	کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

به منظور گردآوری اطلاعات ابتدا از روش کیفی مصاحبه عمیق با واحدهای تحلیل بهره گرفته شده و پس از تحلیل کیفی داده‌های گردآوری شده به روش مفهوم‌سازی و توسعه طبقات و استخراج شاخص‌ها (تأثیرات مثبت و منفی)، پرسش‌نامه محقق‌ساخته ماتریس تحلیل متقاطع طراحی شده است. از روش مثلث‌سازی و بهره‌گیری از اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم و مصاحبه عمیق به منظور اطمینان از اعتبار داده‌های کیفی استفاده شد. علاوه بر این، پس از طراحی پرسش‌نامه، به منظور اطمینان از روایی ابزار، از روایی صوری و تأیید آن از سوی متخصصان ذکر شده بهره گرفته شد. پس از طی فاز اول و دوم، پرسش‌نامه طراحی شده در اختیار گروه خبرگان مورد نظر قرار گرفت و آن‌ها میزان ارتباط متغیرهای مورد نظر را در ماتریس متقاطع و در ارتباط متقابل باهم بررسی کردند. شاخص‌های استفاده شده در این پژوهش شامل پیامدهای مثبت و منفی اقتصادی استراتژی تأمین مالی خرد (استراتژی مرسوم توانمندسازی) به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی است که از طریق مصاحبه با کارشناسان ذکر شده به دست آمده‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و انتخاب متغیرهای کلیدی برای ارائه بهترین مدل توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد زنان سرپرست خانوار در آینده، از روش تحلیل آثار متقاطع پیامدها با استفاده از تکنیک تحلیل ساختاری تفسیری در قالب نرم‌افزار میک‌مک استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های فردی و اجتماعی پاسخگویان

براساس نتایج به دست آمده می‌توان اظهار کرد که تحصیلات اکثریت کارشناسان مورد مطالعه فوق لیسانس بوده و میانگین سابقه فعالیت آن‌ها در زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان به ۸/۷۶ سال می‌رسد. اکثریت پاسخ‌گویان مرد و با میانگین سنی ۵۰/۱۲ سال بودند.

مطالعات آینده سیستم استراتژی توانمندسازی زنان از طریق اعطای

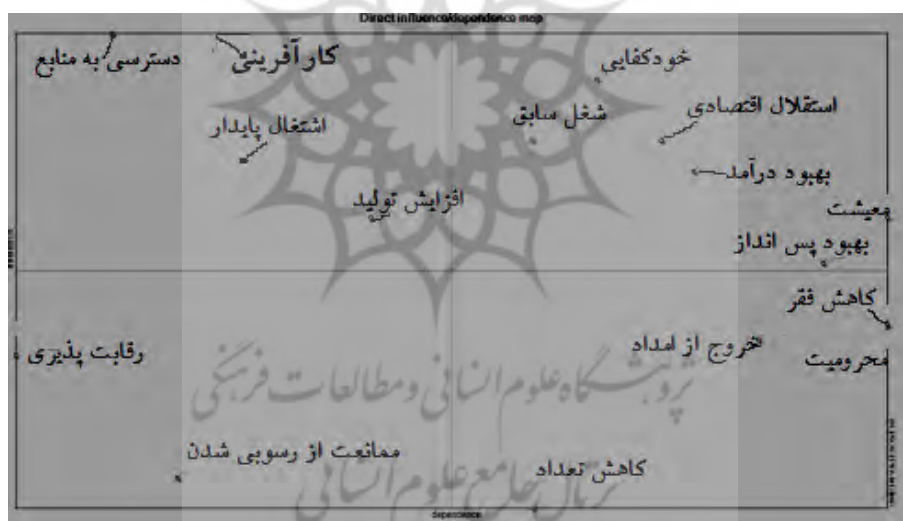
اعتبارات خرد

نتایج حاصل از مصاحبه با خبرگان مورد مطالعه در قالب ۱۶ اثر مثبت و ۹ اثر منفی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. تأثیرات یا پیامدهای مثبت و منفی استراتژی مرسوم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار
 نهادهای حمایتی

نوع	مفاهیم (تأثیرات یا پیامدها)	بعد
مثبت	استقلال اقتصادی، بهبود درآمد، بهبود پس‌انداز، ایجاد اشتغال پایدار، تداوم و توسعه شغل جاری، بهبود معیشت خانوار، رقابت‌پذیری در بازار، کاهش فقر، کاهش محرومیت، دسترسی به منابع، افزایش تولید، کارآفرینی، خودکفایی، خروج از چرخه امداد و حمایت، کاهش تعداد مددجویان و توان‌خواهان تحت پوشش، ممانعت از رسوبی شدن زنان در چرخه حمایت	
اقتصادی	ظهور وابستگی جدید، بدهکاری، هدرروی منابع مالی به دلیل سوء مصرف وام‌ها و نارسایی اعتبارات خرد، گرایش‌های فریبکارانه ناشی از نکول استراتژیک (عدم بازپرداخت وام‌ها)، افزایش تبعیض‌های درون‌جنسیتی و بین‌جنسیتی، توجه عمدۀ (و صرفاً) نهاد به پرداخت وام، افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب، شکل‌گیری اشکال جدید فقر و محرومیت، ظهور کسب‌وکارهای ناتمام فراوان به دلیل اندک‌بودن اعتبارات	منفی

به‌طور کلی ۲۵ شاخص به‌عنوان عوامل اولیه توسط خبرگان شناسایی شده و در قالب ماتریس‌هایی با ابعاد ۱۶×۱۶ و ۹×۹ نمود یافته‌اند.

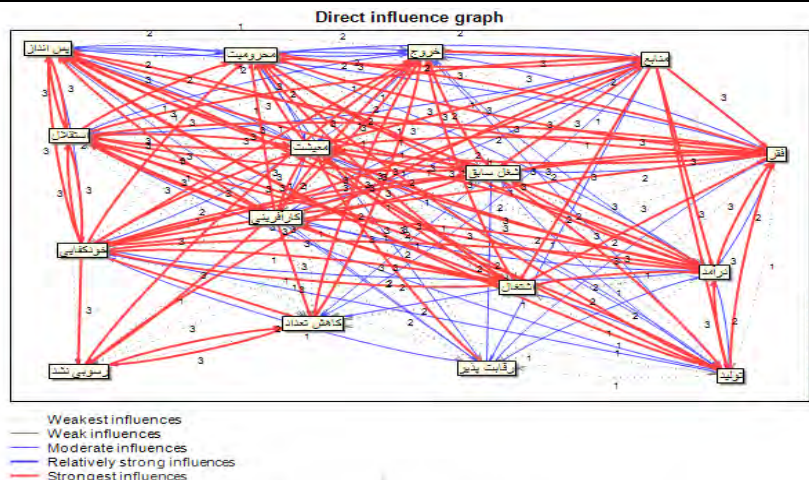


شکل ۱. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم تأثیرات مثبت اقتصادی استراتژی مرسوم توانمندسازی

وضعیت تأثیرات مثبت بعد اقتصادی سیستم توانمندسازی اقتصادی مرسوم زنان سرپرست خانوار زیر پوشش نهادهای حمایتی کمیته امداد و اداره بهزیستی با توجه به ماهیت جدول ۱ و خروجی تأثیرات مستقیم برنامه میک‌مک و با عنایت به شکل ۱ به شرح ذیل است: متغیرهای

تأثیرگذار یا تعیین‌کننده که در قسمت شمال غربی شکل ۱ قرار گرفته‌اند شامل متغیرهای «ایجاد اشتغال پایدار»، «دسترسی به منابع»، «افزایش تولید» و «کارآفرینی» است و به‌عنوان متغیرهای ورودی شناخته می‌شوند. همان‌گونه که از نام آن‌ها پیداست، بیشتر اثرگذارند تا اثرپذیر و بسیاری از متغیرهای دیگر تحت تأثیر این متغیرها هستند. این دسته از متغیرها به‌عنوان متغیر کلیدی و تعیین‌کننده رفتار سیستم توانمندسازی اقتصادی مرسوم‌اند. علاوه بر این، در قسمت شمال شرقی نمودار، متغیرهای دوجوهی یا تقویت‌کننده واقع شده است که شامل «استقلال اقتصادی»، «بهبود درآمد»، «بهبود پس‌انداز»، «تداوم و توسعه شغل جاری (سابق)»، «بهبود معیشت خانوار» و «خودکفایی» هستند. این متغیرها هم‌زمان هم می‌توانند بسیار تأثیرگذار و بسیار وابسته باشند و در مواردی می‌توانند بر متغیرهای تأثیرگذار نیز اثر داشته باشند. در این بین، متغیرهای «استقلال اقتصادی»، «تداوم و توسعه شغل جاری (سابق)» و «خودکفایی»، که در موازات خط قطری قرار دارند، به‌منزله متغیرهای ریسک شناسایی شده و پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی در سیستم ذکر شده دارند. این متغیرها با توجه به ویژگی ناپایدار خود، یک نقطه انفصال بالقوه برای سیستم محسوب می‌شوند. همچنین، متغیرهای «بهبود معیشت خانوار»، «بهبود درآمد» و «بهبود پس‌انداز» که در زیر خط قطری یادشده واقع شده‌اند، از آن جهت که تا حد معینی به‌عنوان نتایج حاصل از سیستم در نظر گرفته می‌شوند، به‌عنوان متغیرهای هدف شناسایی شده‌اند. این متغیرها بیشتر وابسته‌اند تا تأثیرگذار و می‌توان با استفاده از یک برنامه اصولی آن‌ها را در جهت پایداری سیستم هدایت کرد. متغیرهای یادشده به جای اهداف از پیش تعیین شده نشان‌دهنده اهداف کلی برای کل سیستم‌اند.

در بخش جنوب شرقی شکل ۱، متغیرهای «کاهش فقر»، «کاهش محرومیت»، «خروج از چرخه امداد و حمایت»، «کاهش تعداد مددجویان و توان‌خواهان تحت پوشش» قرار گرفته‌اند. این متغیرها به‌منزله متغیرهای خروجی هستند که تأثیرپذیری زیاد و تأثیرگذاری اندک دارند. این دسته از متغیرها حساسیت خاصی به تغییرات متغیرهای تأثیرگذار و دوجوهی دارند و رفتار و عملکرد آن‌ها تحت تأثیر تأثیرات ناشی از متغیرهای دیگر است. در بخش جنوب غربی متغیرهای خنثی، مستقل یا قابل چشم‌پوشی قرار دارند که شامل «رقابت‌پذیری در بازار» و «ممانعت از رسوبی شدن زنان در چرخه حمایت» قابل مشاهده است. این متغیرها دارای حداقل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر سیستم بوده و به نوعی خارج از سیستم به نظر می‌رسند. متغیرهای یادشده کمترین دخالت را در کار سیستم دارند. این نتایج در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۲. گراف تأثیرگذاری مستقیم تأثیرات مثبت اقتصادی

با توجه به روابط سیستمی بین متغیرهای مربوط به تأثیرات مثبت توانمندسازی مرسوم اقتصادی زنان سرپرست خانوار، می‌توان به صورت شماتیک روابط مورد نظر را در قالب گراف تأثیرات مثبت نشان داد. نتایج در شکل ۲ قابل مشاهده است. براساس آنچه در شکل ۱ مشاهده می‌شود، همه تأثیرات مثبت یادشده با یکدیگر روابط دوسویه دارند و به نحوی متأثر از تغییرات یکدیگرند.

در مرحله نهایی روش تحلیل ساختاری متغیرهای کلیدی شناسایی می‌شوند. در این پژوهش، با توجه به ناپایدار بودن سیستم مورد نظر، شناسایی متغیرهای کلیدی آسان نیست. باین‌حال، این کار با کمک گرفتن از طبقه‌بندی مستقیم و طبقه‌بندی غیرمستقیم قابل انجام است.

جدول ۳ طبقه‌بندی (اثر مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای بررسی‌شده نشان داده شده است. نتایج نشان داد که متغیرهای «دسترسی به منابع» با میزان اثرگذاری مستقیم ۹۵۷ و اثرگذاری غیرمستقیم ۹۷۰، «کارآفرینی» با میزان اثرگذاری مستقیم ۹۳۱ و اثرگذاری غیرمستقیم ۹۲۶، «خودکفایی» به ترتیب با میزان اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم ۸۸۱ و ۸۱۶، «ایجاد اشتغال پایدار» با میزان اثرگذاری مستقیم ۸۰۶ و غیرمستقیم ۸۱۰ و «استقلال اقتصادی» با مقادیر اثرگذاری مستقیم ۷۸۰ و اثرگذاری غیرمستقیم ۸۳۶ به‌منزله پنج شاخص کلیدی تأثیرگذار مستقیم و همچنین غیرمستقیم شناسایی شده‌اند. مقادیر ذکرشده از میزان اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در ماتریس تأثیرات متقاطع حکایت دارد که به عبارتی تعیین‌کننده متغیرهای کلیدی اثرگذار بر آینده سیستم مورد مطالعه هستند. علاوه بر این، پنج شاخص کلیدی تأثیرپذیر مستقیم شامل «بهبود معیشت خانوار»، «کاهش فقر»، «کاهش محرومیت»، «بهبود پس‌انداز» و «خروج از چرخه امداد و حمایت» است که در

شاخص‌های تأثیرپذیر غیرمستقیم نیز تکرار شده‌اند. سایر شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر و رتبه‌های آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

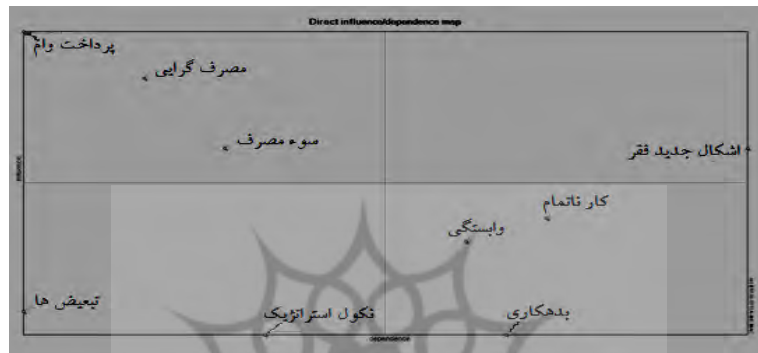
جدول ۳. طبقه‌بندی (اثر مستقیم و غیرمستقیم) متغیرها

رتبه	متغیر	اثرگذاری مستقیم	متغیر	اثرپذیری مستقیم	متغیر	اثرگذاری غیرمستقیم	متغیر	اثرپذیری غیرمستقیم
۱	منابع	۹۵۷	معیشت	۹۰۶	منابع	۹۷۰	فقر	۹۱۹
۲	کارآفرینی	۹۳۱	فقر	۹۰۶	کارآفرینی	۹۲۶	محرومیت	۹۱۹
۳	خودکفایی	۸۸۱	محرومیت	۹۰۶	استقلال	۸۳۶	معیشت	۸۹۴
۴	اشتغال	۸۰۶	پس‌انداز	۸۵۶	خودکفایی	۸۱۶	پس‌انداز	۸۷۹
۵	استقلال	۷۸۰	خروج	۸۰۶	اشتغال	۸۱۰	خروج	۷۶۷
۶	شغل سابق	۷۸۰	درآمد	۷۵۵	درآمد	۷۶۳	استقلال	۷۵۱
۷	درآمد	۷۳۰	استقلال	۷۳۰	شغل سابق	۷۶۱	درآمد	۷۳۷
۸	معیشت	۶۵۴	خودکفایی	۶۸۰	معیشت	۶۹۵	خودکفایی	۶۵۱
۹	تولید	۶۵۴	شغل سابق	۶۲۹	تولید	۶۶۱	شغل سابق	۶۳۴
۱۰	پس‌انداز	۵۷۹	کاهش تعداد	۶۲۹	پس‌انداز	۶۴۲	کاهش تعداد	۶۰۹
۱۱	فقر	۴۷۸	تولید	۵۰۳	محرومیت	۵۰۳	تولید	۵۳۲
۱۲	محرومیت	۴۷۸	اشتغال	۴۲۸	فقر	۴۸۳	اشتغال	۴۴۳
۱۳	خروج	۵۳۵	کارآفرینی	۳۷۷	رقابت‌پذیر	۴۶۹	کارآفرینی	۳۹۸
۱۴	رقابت‌پذیر	۴۲۸	رسوبی نشد	۳۵۲	خروج	۳۶۹	رسوبی نشد	۳۵۱
۱۵	رسوبی نشد	۲۲۶	منابع	۳۰۲	رسوبی نشد	۱۸۰	منابع	۲۹۶
۱۶	کاهش تعداد	۱۷۶	رقابت‌پذیر	۲۲۶	کاهش تعداد	۱۰۹	رقابت‌پذیر	۲۰۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

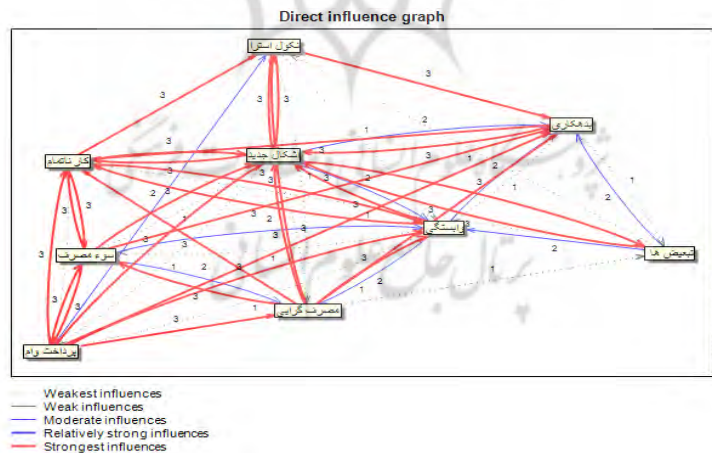
وضعیت تأثیرات منفی بعد اقتصادی سیستم توانمندسازی اقتصادی مرسوم زنان سرپرست خانوار نیز براساس خروجی تأثیرات مستقیم برنامه میک‌مک به گونه‌ای است که متغیرهای تأثیرگذار در قسمت شمال غربی شکل ۳ شامل متغیرهای «هدرروی منابع مالی به دلیل سوء مصرف وام‌ها و نارسایی اعتبارات خرد»، «توجه عمده (و صرفاً) نهادها به پرداخت وام» و «افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب» است. علاوه بر این، در قسمت شمال شرقی نمودار، متغیر

دووجهی یا تقویت کننده فقط شامل متغیر «شکل گیری اشکال جدید فقر و محرومیت» است. در بخش جنوب شرقی شکل ۳، متغیرهای ظهور وابستگی جدید، بدهکاری و ظهور کسب کارهای ناتمام فراوان به دلیل اندک بودن اعتبارات قرار گرفته اند و در بخش جنوب غربی متغیرهای قابل چشم پوشی قرار دارند که شامل گرایش های فریبکارانه ناشی از نکول استراتژیک (عدم بازپرداخت وام ها) و افزایش تبعیض های درون جنسیتی و بین جنسیتی است. نتایج ذکر شده در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. نمودار تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم تأثیرات منفی اقتصادی استراتژی مرسوم توانمندسازی

گراف تأثیرات منفی توانمندسازی مرسوم اقتصادی زنان سرپرست خانوار، که به صورت شماتیک روابط بین متغیرها را نشان داده، در قالب شکل ۴ قابل مشاهده است.



شکل ۴. گراف تأثیرگذاری مستقیم تأثیرات منفی اقتصادی

جدول ۴ طبقه‌بندی (اثر مستقیم و غیرمستقیم) متغیرهای بررسی‌شده نشان داده شده است. نتایج نشان داد که متغیرهای «توجه عمده نهاد به پرداخت وام» با مقادیر اثرگذاری مستقیم هزار و ۷۲۱ و غیرمستقیم هزار و ۷۴۰، «افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب» با میزان اثرگذاری مستقیم هزار ۵۵۷ و اثرگذاری غیرمستقیم هزار و ۴۶۳ و «هدرروی منابع مالی به دلیل سوء مصرف وام‌ها و نارسایی اعتبارات خرد» با مقدار اثرگذاری مستقیم هزار و ۳۱۱ و اثرگذاری غیرمستقیم هزار و ۴۵۵ به‌عنوان سه شاخص کلیدی تأثیرگذار مستقیم و همچنین غیرمستقیم شناسایی شده‌اند. علاوه بر این، سه شاخص تأثیرپذیر مستقیم شکل‌گیری اشکال جدید فقر و محرومیت، ظهور کسب‌وکارهای ناتمام فراوان به دلیل اندک‌بودن اعتبارات و بدهکاری است که در شاخص‌های کلیدی تأثیرپذیر غیرمستقیم، تنها جای وابستگی و بدهکاری عوض شده است. رتبه‌بندی سایر شاخص‌های کلیدی تأثیرگذار و تأثیرپذیر در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. طبقه‌بندی (اثر مستقیم و غیرمستقیم) متغیرها

ردیف	متغیر	اثرگذاری مستقیم	متغیر	اثرگذاری غیرمستقیم	متغیر	اثرپذیری مستقیم	اثرپذیری غیرمستقیم	
۱	پرداخت وام	۱۷۲۱	اشکال جدید	۱۹۶۷	پرداخت وام	۱۷۴۰	اشکال جدید	۱۸۶۸
۲	مصرف‌گرایی	۱۵۵۷	کار ناتمام	۱۵۵۷	مصرف‌گرایی	۱۴۶۳	کار ناتمام	۱۵۶۷
۳	سوء مصرف	۱۳۱۱	بدهکاری	۱۴۷۵	سوء مصرف	۱۴۵۵	وابستگی	۱۳۶۱
۴	اشکال جدید	۱۳۱۱	وابستگی	۱۳۹۳	اشکال جدید	۱۱۸۱	بدهکاری	۱۳۲۶
۵	کار ناتمام	۱۰۵۶	نکول استراتژیک	۹۸۳	کار ناتمام	۱۱۳۶	نکول استراتژیک	۱۰۸۸
۶	وابستگی	۹۸۳	سوء مصرف	۹۰۱	وابستگی	۱۰۸۳	سوء مصرف	۹۰۴
۷	تبعیض‌ها	۷۳۷	مصرف‌گرایی	۷۳۷	تبعیض‌ها	۶۷۱	مصرف‌گرایی	۶۹۵
۸	بدهکاری	۶۵۵	تبعیض‌ها	۴۹۱	بدهکاری	۶۵۵	تبعیض‌ها	۶۱۵
۹	نکول استراتژیک	۶۵۵	پرداخت وام	۴۹۱	نکول استراتژیک	۶۱۳	پرداخت وام	۵۷۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به موضوع پژوهش، نگرش سیستمی رویکرد نسبتاً جامعی برای درک و برنامه‌ریزی و شناسایی پویایی و ایستایی سیستم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار از طریق تأمین مالی خرد و نهایتاً تجزیه و تحلیل آن است. در این رویکرد، به‌خوبی می‌توان همه تأثیرات

توانمندسازی اقتصادی زنان را در قالب طرفین عرضه و تقاضا به صورت به هم پیوسته بررسی و تجزیه و تحلیل کرد. به عبارتی دیگر، نگرش سیستمی اساس توانمندسازی اقتصادی مرسوم زنان سرپرست خانوار را در کلیتی منسجم به تصویر می کشد و پیوند بین اجزاء و عناصر آن را مورد بحث قرار می دهد. توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از طریق تأمین مالی خرد و اعطای اعتبارات اندک از سوی نهادهای حمایتی، علاوه بر آثار مثبت، ابعاد و تأثیرات منفی نیز دارد و این امر باید در سایه برنامه ریزی آینده به منظور بیشینه کردن منافع و کمینه کردن مضرات تأثیرات منفی بررسی شود.

در پژوهش حاضر، پس از شناسایی ۲۵ اثر کلی (در قالب ۱۶ اثر مثبت و ۹ اثر منفی طرح توانمندسازی مرسوم زنان سرپرست خانوار، از طریق مصاحبه با خبرگان مورد مطالعه، مهم ترین شاخص های اثرگذار جهت آینده پژوهی سیستم پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش دو نهاد حمایتی گفته شده، در بعد مثبت شامل متغیرهای «ایجاد اشتغال پایدار»، «دسترسی به منابع»، «افزایش تولید» و «کارآفرینی» و در بعد منفی شامل متغیرهای «هدرروی منابع مالی به دلیل سوء مصرف وام ها و نارسایی اعتبارات خرد»، «توجه عمده (و صرف) نهادها به پرداخت وام» و «افزایش مصرف گرایی های کاذب» است. بر این اساس، می توان اظهار کرد که پژوهش فوق این امر را مورد مذاقه قرار می دهد که می توان برنامه مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار را به نحوی مدیریت و ساماندهی کرد که حداقل اثرگذاری منفی و حداکثر آثار مثبت را به همراه داشته باشد. بر این اساس، سیستم توانمندسازی یادشده در آینده باید به دنبال تقویت و بیشینه کردن آثار و پیامدهای مثبت مذکور و کمینه کردن اثر منفی گفته شده باشد. بنابراین، تأمین مالی خرد و برنامه اعطای اعتبارات کوچک باید به منظور ایجاد اشتغال پایدار و درآمدزا بوده و با دسترسی زنان سرپرست خانوار به منابع مالی و اعتباری بیشتر، زمینه تداوم کسب و کار و افزایش تولید را فراهم کند و در بلندمدت متضمن پایداری کسب و کار و حتی ایجاد کارآفرینی برای آنان شود. همان گونه که پیش تر گفته شد، معظمی و رحیمی [۲۳] و جمشیدی [۴] نیز معتقدند که برنامه های تأمین مالی خرد نه تنها سبب اشتغال پایدار می شوند، بلکه موجب افزایش دسترسی زنان کم درآمد و سرپرست خانوار به خدمات مالی نیز شده است. همچنین، وفایی و نادری مهدی [۲۵] نیز افزایش تولید را از تأثیرات مثبت تأمین مالی خرد بیان کرده اند.

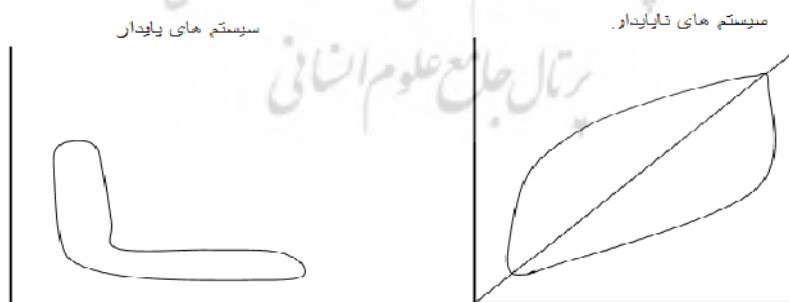
در بعد منفی پیامدهای برنامه توانمندسازی مرسوم، مطابق با مطالعه اسپرینر [۴۱]، که تأمین مالی خرد را به دلیل تأکید بر اعطای وام به جای پس انداز و سرمایه گذاری ابزاری برای کمک به فقرا نمی دانست، باید از توجه عمده و صرف نهادها به پرداخت وام و بی توجهی به مواردی مانند آموزش، بازار، پس انداز و... پرهیز کرد. در این بین، لاوس [۳۶] نیز معتقد است تمرکز صرف بر اعطای وام، به جای توجه به استقلال مالی بیشتر

وام‌گیرندگان فقیر، سبب افزایش وابستگی آنان به اعتبارات می‌شود که این امر به‌ویژه برای افراد فاقد سرمایه خطرناک است.

علاوه بر این، باید به دنبال کاهش هدرروی منابع مالی دریافتی از سوی زنان شده و با تقویت وام‌ها و اعتبارات خرد برای زنان متعهد، نارسایی‌های موجود در حجم و عملکرد اعتبارات خرد را برطرف کرد. این نتیجه با مطالعه جمشیدی [۴] و جمشیدی و مهدی‌زاده [۵] مطابقت دارد. به دنبال تقویت جنبه‌ها و پیامدهای مثبت و کاهش آثار منفی گفته‌شده، می‌توان افق آینده‌توانمندی را از افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب دور و برنامه‌های مبتنی بر اشتغال درآمدزایی و تقویت کارآفرینی و تولید را جایگزین آن کرد.

نتایج نشان داد که متغیرهای اثرگذار سیستم توانمندی از طریق تأمین مالی خرد زنان سرپرست خانوار در بعد مثبت شامل متغیرهای «دسترسی به منابع»، «کارآفرینی» و «خودکفایی»، «یجاد اشتغال پایدار» و «استقلال اقتصادی» به‌عنوان پنج شاخص با تأثیرگذاری مستقیم و همچنین غیرمستقیم بالا شناسایی شده‌اند. همچنین، در بعد منفی متغیرهای «توجه عمده نهاد به پرداخت وام»، «افزایش مصرف‌گرایی‌های کاذب» و «هدرروی منابع مالی» به دلیل سوء مصرف وام‌ها و نارسایی اعتبارات خرد» به‌عنوان سه شاخص تأثیرگذار مستقیم و همچنین غیرمستقیم بالا شناسایی شده‌اند. همان‌گونه که گفته شد، سیستم توانمندی زنان سرپرست خانوار از طریق تأمین مالی خرد در آینده باید در جهت تقویت متغیرهای کلیدی مثبت و ضعف متغیرهای کلیدی منفی به منظور ارائه بهترین مدل توانمندی باشد.

در نمودارهای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستقیم تأثیرات مثبت و منفی اقتصادی استراتژی مرسوم توانمندی، نحوه پراکنش و نظم متغیرها، نمایانگر پایداری و ناپایداری سیستم است. چنانچه متغیرها در داخل نمودار به شکل L باشند، سیستم پایدار است و این حالت از سیستم بیانگر ثبات در متغیرهای تأثیرگذار و تداوم تأثیر آن‌ها بر سایر متغیرهاست. اما اگر متغیرها از سمت محور مختصات به سمت انتهای نمودار و در حوالی آن پخش شده باشند، سیستم ناپایدار است و کمبود متغیرهای تأثیرگذار، سیستم را تهدید می‌کند [۳۰].



شکل ۵. سیستم پایدار و ناپایدار مأخذ: [۳۰]

با توجه به نتایج به دست آمده در شکل ۵، نحوه پراکنش و نظم متغیرهای موجود حاکی از آن است که سیستم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار از طریق تأمین مالی خرد، از بعد مثبت ناپایدار بوده است. ناپایداری سیستم به این امر اشاره دارد که متغیرها حول محور قطری صفحه پراکنده شده و در بیشتر مواقع حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. این امر ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را مشکل می‌کند. بر اساس نتایج، نحوه پراکنش پیامدهای مثبت توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد، گرایش به حرکت به سمت گوشه سمت راست بالای نمودار را دارند که در آن متغیرها تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی دارند و پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی دارند و با توجه به ویژگی ناپایدار خود یک نقطه انفصال برای سیستم محسوب می‌شوند و باید آن‌ها را کنترل کرد. همان‌گونه که گفته شد، شاید متغیرهای کلیدی نهایی، که بتوان براساس آن‌ها آینده تأثیرات مثبت توانمندسازی زنان از طریق تأمین مالی خرد را پیش‌بینی کرد، به راحتی قابل تشخیص نباشد. این ناپایداری تحلیل را به سمت تمرکز بیشتر بر قسمت شمال شرقی ماتریس اثر به منظور کنترل آن‌ها و تحلیل متغیرهای کلیدی به منظور تحلیل آینده هدایت کرده است. بنابراین، علاوه بر متغیرهای اثرگذار یا تعیین‌کننده به دست آمده، لازم است به آن دسته از متغیرهایی که توان تبدیل شدن به متغیرهای اصلی و تعیین‌کننده آینده سیستم را دارند توجه کرد. این متغیرها شامل متغیرهای استقلال اقتصادی، بهبود درآمد، بهبود پس‌انداز، تداوم و توسعه شغل جاری، بهبود معیشت خانوار و خودکفایی هستند. آنچه در آینده سیستم توانمندسازی از طریق تأمین مالی خرد و اعطای اعتبارات اندک حائز اهمیت است، هدایت تأثیرات برنامه‌های توانمندسازی نهادهای حمایتی به سمت وسوی ایجاد اشتغال پایدار، دسترسی بیشتر زنان به منابع مختلف تولیدی، افزایش تولید به‌عنوان نمودی از تاب‌آوری و تداوم کسب‌وکارهای خواستگاری زنان و کارآفرینی به جای تمرکز بر متغیرهای دوجبه‌ی ناپایدار ساز سیستم است.

همچنین، نحوه پراکنش و نظم متغیرهای موجود در شکل ۵ نشان داد که سیستم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار از بعد منفی پایدار است. به عبارتی، نحوه پراکنش متغیرها از شکل L تبعیت کرده و از ثبات در متغیرهای تأثیرگذار و تداوم تأثیر آن‌ها بر سایر متغیرها حکایت دارد. به عبارتی دیگر، در این سیستم پایدار شناسایی متغیرهای کلیدی اثرگذار بر آینده آسان است و تمرکز بر آن‌ها سبب بهبود سیستم تعریف‌شده خواهد شد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای ذیل ارائه شده است.

- تعریف و شناسایی مجدد اکوسیستم کسب‌وکار منطقه‌ای و تمرکز بر مزیت‌های

- منطقه‌ای در برنامه‌های مشاوره‌ای نهادهای حمایتی، به منظور کمک به انتخاب کسب‌وکار خوداشتغالی برای ایجاد اشتغال پایدار در آینده؛
- تبعیض مثبت و اعطای اعتبارات خرد ویژه زنان سرپرست خانوار متقاضی مشاغل خانگی و حمایت از آن‌ها در راستای دسترسی بیشتر آنان به منابع مختلف تولیدی؛
 - افزایش حمایت‌های دولتی در آینده، در قالب اعطای یارانه‌های نهادهای به منظور افزایش تولید در واحدهای خوداشتغالی زنان سرپرست خانوار؛
 - اجرای برنامه‌های مختلف آموزش کارآفرینی و الزامات وابسته به آن از سوی نهادهای حمایتی و هم‌افزایی نهادهای حمایتی با اداره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور تقویت مهارت‌های فنی؛
 - تشویق و ترغیب زنان سرپرست خانوار به پس‌انداز و تشکیل صندوق‌های اعتبارات خرد محلی و اعطای مسئولیت اجتماعی به منظور ممانعت از هدرروی منابع مالی و سوء مصرف وام‌ها؛
 - گسترش برنامه‌ریزی‌های از پایین و مداخله متقاضیان زن سرپرست خانوار به منظور مداخله در تعیین میزان اعتبارات خرد اعطایی به طرح‌های اشتغال‌زایی آنان و کاهش نارسایی اعتبارات خرد در آینده؛
 - ایجاد برنامه‌های همه‌جانبه دولتی در راستای افزایش هم‌افزایی‌های هدفمند به منظور کاهش توجه عمده نهادهای به پرداخت وام و کاهش تصمیمات جزیره‌ای سازمان‌های متولی در زمینه برنامه‌های اعطای اعتبارات خرد؛
 - تدوین برنامه‌های جامع آموزشی و تبلیغاتی وسیع در جامعه به منظور ترغیب زنان سرپرست خانوار به پس‌انداز و مراقبت از تداوم کسب‌وکار و تبلیغات سوء در مورد مصرف‌گرایی‌های رقابتی در جامعه.

منابع

- [۱] ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی زنان*، (منیژه نجم عراقی)، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- [۲] بادانی، معصومه (۱۳۹۶). «تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد زنان بر توسعه روستایی و عوامل مؤثر بر مشارکت در آن (مطالعه موردی: شهرستان مرودشت)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- [۳] جکسون، مایکل سی (۱۳۹۳). *تفکر سیستمی: کل‌گرایی خلاق برای مدیران*، ترجمه علی‌محمد احمدوند و غلام جاپلقیان، تهران: جهان جام‌جم.
- [۴] جمشیدی، معصومه (۱۳۹۷). «نظام معنایی (شرایط، تعاملات و پیامدهای) بازدارنده‌ها و پیش‌برنده‌های توانمندسازی زنان: (موردی: زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام(ره) و اداره بهزیستی استان ایلام)»، طرح پژوهشی، کارفرما استانداری ایلام.

- [۵] جمشیدی، معصومه؛ مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۸). «طراحی الگوی توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار در استان ایلام»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، دوره ۱۳، ش ۲، ص ۳۹-۵۰.
- [۶] حسن‌زاده، علی؛ ازوجی، علاء‌الدین؛ قویدل، صالح (۱۳۸۵). «بررسی آثار اعتبارات خرد در کاهش فقر و نابرابری‌های درآمدی»، *اقتصاد اسلامی*، س ۶، ص ۴۵-۶۹.
- [۷] رحمانی، مریم؛ زند رضوی، سیامک؛ ربانی، علی؛ ادیبی، مهدی (۱۳۸۷). «نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان: مطالعه موردی روستای پشت رود بم»، *مطالعات زنان*، س ۶، ش ۳، ص ۱۰۵-۱۳۲.
- [۸] رضوانی، محمد رضا؛ دربان آستانه، علی‌رضا؛ احمدآبادی، حسن (۱۳۹۴). «تحلیل اثرات اعتبارات خرد بر پایداری اقتصاد روستایی (مورد مطالعاتی: اعتبارات صندوق کارآفرینی امید در شهرستان نیشابور)»، *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، س ۱۳، ش اول، پیاپی ۲۴، ص ۲۰۹-۲۳۳.
- [۹] زرافشانی، کیومرث؛ علی‌بیگی، امیرحسین؛ فقیری، مژگان (۱۳۹۱). «رتبه‌بندی صندوق‌های اعتبارات خرد براساس توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ش اول، ص ۱۰۵-۱۲۴.
- [۱۰] زرگرانی، سعید (۱۳۹۲). «بررسی اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی (استان کردستان)»، *سایت اندیشه‌سرای تعاون*، س ۶، ص ۴۵-۶۹.
- [۱۱] سن، آمارتیا (۱۳۸۱). *توسعه به‌مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.
- [۱۲] شکوری، علی (۱۳۸۷). «سیاست‌های حمایتی و توانمندسازی زنان»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، س ۱۶، ش ۶۱، ص ۱۲۹-۱۵۹.
- [۱۳] عیوضی، محمدرحیم؛ براتی، ناصر؛ پوراحمد، احمد؛ کشاورز ترک، عین‌الله (۱۳۹۴). «طراحی الگوی فرایندی نظام برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در شهر اسلامی- ایرانی با رویکرد آینده‌پژوهی»، *فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ش ۲۰، ص ۵-۱۵.
- [۱۴] فقیری، مژگان؛ زرافشانی، کیومرث؛ علی‌بیگی، امیرحسین (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه»، *فصل‌نامه روستا و توسعه*، س ۱۷، ش ۳، ص ۱-۲۲.
- [۱۵] فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱). *نظریه رفاه*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو.
- [۱۶] قدیری معصوم، مجتبی؛ احمدی، افسانه (۱۳۹۴). «سازدهای مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۴۷، ش ۴، ص ۷۷۲-۷۵۹.
- [۱۷] کمره‌ای، مریم (۱۳۸۹). *بررسی اثرات صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی (مطالعه موردی: روستاهای تمیسیان و کامان در شهرستان دماوند)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- [۱۸] لاله‌پور، منیژه؛ رحمانی، رباب؛ قربانی، اعظم (۱۳۹۶). *جایگاه صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی در کارآفرینی و فقرزدایی (مطالعه موردی: روستاهای استان آذربایجان شرقی)*، همایش ملی

- بررسی راهکارهای مدیریت توسعه کارآفرینی در ایران، خراسان رضوی، دانشگاه حکیم سبزواری. [۱۹] محمدپور، احمد؛ بوستانی، داریوش؛ علیزاده، مهدی (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهر ساری»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۱۲، ش ۴۶، ص ۳۱۹-۳۵۲.
- [۲۰] مداحی گیوی، مه‌ری (۱۳۸۶). «بررسی اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در بهبود زندگی آنان در استان‌های خراسان رضوی، کرمانشاه، مازندران، هرمزگان از دیدگاه زنان عضو»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- [۲۱] محقق‌نیا، محمدجواد؛ باوفا گلپیان، علی‌اکبر (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل مؤثر بر تأمین مالی خرد در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی، س ۱۷، ش ۶۵، ص ۱۹۹-۲۲۲.
- [۲۲] مظفری، محمدمهدی؛ ضیایی، محمدصادق (۱۳۹۶). «بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه الموت)»، فصل‌نامه دانش سرمایه‌گذاری، س ۶، ش ۲۴، ص ۲۳۱-۲۴۹.
- [۲۳] معظمی، میترا؛ رحیمی، عباس (۱۳۸۴). «بررسی پوشش و پایداری برنامه اعتبارات خرد»، مرکز تحقیقات روستایی و دفتر امور زنان روستایی وزارت جهاد کشاورزی، س ۴، ش اول، ص ۲۸-۱۰.
- [۲۴] مهدیزاده، جواد (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری تجربیات اخیر جهانی و جایگاه آن در ایران، تهران: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
- [۲۵] وفايي، نظام‌علي؛ نادری مهدی، کریم (۱۳۹۶). «نقش اعتبارات خرد بانک کشاورزی بر بعد اقتصادی زندگی خانوارهای آسیب‌پذیر روستایی شهرستان همدان»، فصل‌نامه علمی تخصصی مطالعات محیط زیست، منابع طبیعی و توسعه پایدار، س اول، ش ۲، ص ۱۷-۳۲.
- [۲۶] یعقوبی، جعفر (۱۳۸۴). «بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان»، پژوهش زنان، دوره سوم، ش اول، ص ۱۲۵-۱۴۶.
- [27] Charan, P., Shankar, R and Baisya, R.K. (2008). "Analysis of interactions among the variables of supply chain performance system implementation", *Business Process Management Journal*, Vol. 14, No. 4. PP 512-529.
- [28] Chermack, Thomas J. (2004). "The role of system theory in scenario planning", *Journal of futures studies*, Vol. 8, No. 4, pp. 15-30.
- [29] Dutta, A., Banerjee, S. (2018). "Does microfinance impede sustainable entrepreneurial initiatives among women borrowers? Evidence from rural Bangladesh", *Journal of Rural Studies*, Vol. 60, PP 70-81.
- [30] Godet, M. Durance, PH. G. (2008). "Strategic Foresight (La Prospective): Use and Misuse of Scenario Buildin", LIPSOR Working Paper (Cahiers du LIPSOR), www.lapropective.fr.
- [31] Gordon, Theodore. (1994). "Trend Impact Analysis", AC/UNU Millennium project.
- [32] Haile, H. B., Bock, B., Folmer, H. (2012). "Microfinance and female Empowerment: Do institutions matter?", *Women's Studies International Forum*, Vol. 35, No. 4, Pp. 256-265.

- [33] Ikemi, M. (2011). "A Challenge of Microcredit Program in Rural Africa", *Econ. J. of Hokkaido University*, Vol. 5, No. 40, PP. 15-28.
- [34] Kabeer, N. (2001). *Reflection on the measurement of Women`s empowerment in* Sisask, A. (ed.) *Discussing Women`s empowerment: Theory and Practice*, Pp. 57-17, Stockholm: Sida
<http://www.sida.se/shared/jsp/download.jsp?f=sidastudies+No3.pdf&a=2-80>.
- [35] Kulkarni, V. S. (2011). *Women`s Empowerment and Microfinance; An Asian Perspective Study*, International Fund for Agricultural Development (IFAD). It`s online at: <http://www.ifad.org/operations/projects/regions/pi/paper/13.pdf>
- [36] Lavoic, M. (2002). *The role of Microfinance in poverty reduction and promoting Gender Equity*, South Asia Partnership Canada, June 12.
- [37] Maclsaac, N. (1997). *The role of Microcredit in poverty Reduction and promoting Gender Equity*, South Asia Partnership Canada, June 12.
- [38] Nor, N. H. M., et al., (2012). *Women Entrepreneurship in Micro Credit Performance: The Preliminary Study in Kelantan*, Knowledge Management International Conference (KMICE), Johor Bahru, Malaysia – 6 July 2012. It`s online at:
<http://www.kmice.cms.net.my/ProcKMICE/KMICE2012/PDF/CR300.pdf>
- [39] Peruginia, C., Vladisavljević, M. (2019). "Gender inequality and the gender-job satisfaction paradox in Europe", *Labour Economics*, Vol. 60, Pp. 129-147.
- [40] Sage, A.P. (1977). *Interpretive Structural Modeling: Methodology for Large-Scale Systems*, McGraw-Hill, New York.
- [41] Schreiner, M. A. (1999). *A Framework for the discussion of the social benefits of Microfinance*, Center for social development Washington University, June.
- [42] Warfield, J. N. (1976), *Societal Systems: Planning, Policy, and Complexity*, Wiley Interscience, New York.
- [43] Weber, O., Ahmad, A. (2014). "Empowerment through Microfinance: The Relation Between Loan Cycle and Level of Empowerment", *World Development*, Vol. 62, PP 75-87.